

۹۰۲۶

بسم الله الرحمن الرحيم

۵۴۲

۱
۲
۱۰

روز شمار

(تقویم)

تاریخ

آذربایجان

اسفندیار حاجیلو

سرشناسه	:	قراچاجلو، اسفندیار، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور	:	روز شمار تقویم تاریخ آذربایجان/ اسفندیار قراچاجلو.
مشخصات نشر	:	قم : بخشایش، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	:	۵۳۶ص.
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	آذربایجان -- تاریخ -- گاهشماری
موضوع	:	آذربایجان -- تاریخ -- رئوس مطالب
رده بندی کنگره	:	۵۴۵ / ۳۰۱ DSRT ۱۳۹۲ ق
رده بندی دیویی	:	۹۵۵/۳
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۳۶۳۶۵۷

شناسنامه کتاب

نام کتاب: روز شمار تقویم تاریخ آذربایجان

نوشته‌ی: اسفندیار قراچاجلو

ناشر: انتشارات بخشایش (م)

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول ۱/۲/۱۳۹۳

محل چاپ و صحافی: نشر پردیس دانش تهران

تعداد صفحات: ۵۴۲ صفحه

چاپ: ۱۳۹۳ هجری شمسی

طرح جلد: جواد ولیزاده

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۳-۲۱۰-۱۸۲-۹۶۴-۹۷۸-3 978-964-182-210-3

مرکز پخش: ارومیه، خیابان امام، روبروی پاساژ ستارخان، پاساژ ارگ، طبقه دوم،

کتابفروشی فضولی، تلفن: ۰۴۴-۲۲۲۴۵۷۶۹

فهرست مطالب

۱	الی ۱۳	مقدمه
۱۴	الی ۵۹	فروردین
۶۰	الی ۹۶	اردیبهشت
۹۷	الی ۱۴۵	خرداد
۱۴۶	الی ۱۸۸	تیر
۱۸۹	الی ۲۳۱	مرداد
۲۳۲	الی ۲۷۴	شهریور
۲۷۵	الی ۳۱۶	مهر
۳۱۷	الی ۳۵۰	آبان
۳۵۱	الی ۳۸۹	آذر
۳۹۰	الی ۴۳۴	دی
۴۳۵	الی ۴۷۸	بهمن
۴۷۹	الی ۵۲۳	اسفند
۵۲۴	الی ۵۴۱	فهرست منابع و مآخذ

«میلان کوندرا» در کتاب خنده و فراموشی در مورد تاریخ می نویسد «نخستین گام برای از میان برداشتن یک ملت، پاک کردن حافظه آن ملت است باید کتابهایش را، فرهنگش را، تاریخش را از میان برد. بعد باید کسی را واداشت که کتاب های تازه ای برای آن ها بنویسد، فرهنگ تازه ای را برای آن ها جعل کند و بسازد، تاریخ تازه ای را اختراع کند، در کوتاه زمانی آن ملت آن چه بوده را از یاد برده و در دنیای اطراف نیز همه چیز را براحتی و با سرعت بیشتری فراموش می کند.»

یا «فرانتس فانون» در کتاب «دوزخیان روی زمین» نوشته است: یک نقش مهم سلطه استعماری غرب این بوده است که «به گذشته قوم تحت ستم روی آورده و آنرا تحریف، قلب و نابود می کند».

و اما «تاریخ» تاریخ عادی است ملت ها با دانستن آن اسباب ترقی و تنزل گذشتگان خود را می آموزند. هر ملتی تاریخ داند کمذکی را ماند که پدر و مادر و نیاکان خود را شناسد. . . بدیهی است که پیش آمد حال آیدگان را هم نخواهد دانست.

حالا باید بگوئیم برای جمع بندی این علم «گذشته ای را که دربی انتهای خاموشی و فراموشی غوطه می خورد چگونه می توان به مدد سنجار هایی که بر حسب اتفاق از دست برد فنا و فراموشی بسته است دیگر باره زنده کرد؟» وظیفه تاریخ نگار بی گمان همین می باشد که گم شده های ملت خویش را بیابد.

و ما در اینجا بخش برگزیده ای از تاریخ یک ملتی را گرد آوری کرده ایم که توانسته ایم برای آن مدرکی بدست آورده باشیم، و این موارد از هر جهتی بنظرمان مهم و با ارزش و لازم به یاد آوری بود. «مولف»

مجموعه‌ی حاضر با عنوان «روزشمار تقویم تاریخ آذربایجان»، برگرفته بخشی از تاریخ سرزمینی است به گستره جغرافیای نام آن، هرچند که کاستیها پی دارد و مطمئناً تمام و تمام وقایع آن در این مجموعه کوچک نخواهد گنجید. ولی توان این خدمتگزار گردآوری مجموعه حاضر می باشد که امید است در پیشگاه مردم دانا و دانشمندان، اهل قلم و تاریخ، قبول افتد.

تاریخ هر ملت و قومی با فراز و نشیبهای گوناگون در طول حیات آن ملت به گستره‌ی نام جغرافیایی آن، آمیخته با حوادث و بلایای گوناگون طبیعی و مصنوعی بوده است. و این حوادث و بلایا گاه‌آز قهر طبیعت، گاه‌آ به دلیل ستیزهای قومی برای ادامه زندگی بامشاء حرص و آز بوجود آمده که سبب انهدام، تخریب، کشتارگشته و یا با مقاومت ها و ستیزه‌های سرخانه روبرو شده و حیات و بقای آن تا به امروز ادامه یافته است. در این رخدادها همیشه طیفی از انسانهای فاضل، اندیشمند، دلیران و فداکارانی بوده‌اند که پیشگام ملت خود شده و جان خویشان را برای رفاه حال بقیه افراد به خطر انداخته و یا برای دفع خطر بی چشمداشت جان خود را فدا کرده‌اند. چه بسا گروه عظیمی از این گونه انسانها نامشان در جایی ثبت و ضبط نشده و یا اینکه به سادگی فراموش و خاطر ملتها و تاریخ پاک شده و یا به باد فراموشی سپرده شده است و زندگان و بازماندگان نیز در انجام وظیفه تاریخی خود قصور کرده و نام این فداکاران را از یاد برده‌اند. نگارنده هم به همین ملاحظه برخورد وظیفه دانسته و برآن شدم، تا آنجا که در توان دارم با استفاده از منابع موجود و همفکری دوستان و اندیشمندان، یاد و خاطره‌ی این انسانهای پاک باخته و یا مکانهایی را که در آنجا حوادث به وقوع پیوسته است، در مجموعه‌ای جمع بندی نموده و آنها را با عنوان «روز شمار تقویم تاریخ آذربایجان» در ۳۶۵+۱ روزشمسی ثبت نمایم. که بدین طریق بتوانیم قسمتی از ارزش فداکاری آن گرانمایه‌های تاریخ را در دسترس عموم ملتمان قرار داده و با ارج نهادن و تجلیل و قدردانی از آنها در مناسبت‌های مختلف در طول سال، همگان را بر آن بداریم که وظیفه انسانی و تاریخی خود را نسبت به گذشتگانمان بجا آورده هم و قرب و ارجی باشد به شخصیت‌های والای این انسانهای فداکار که امروز ما در سایه خدمات آنان در آسایش و رفاه

بسر می‌بریم و هم آموزه‌ای باشد به نسلهای آینده برای تداوم این کردارنیک. امید است این خدمت کوچک مورد قبول واقع گردد.

در این مجموعه چند موضوع پیگیری و رویدادهای آن ثبت گردیده است، که یکی از اساسی‌ترین آنها؛ رخدادهای تاریخی و شرح حال اندیشمندان و مبارزان و قهرمانان یا حاکمان و حکومت داران ولایات و شهرهای آذربایجان از بدو تاریخ تا به امروز می باشد که هریک به شکلی و بنوعی هستی شان را در راه حفظ این ملک و ولایت به خطر انداخته و آنرا برای ما حفظ نموده اند. و همچنین آثار میراث و قلعه ها و مکانهای باستانی و تاریخی آذربایجان که در گذشته مسکن این مردم بوده و با وقوع حوادثی این مکانها و آثار، میراث و هویت یک ملت را در دل خود حفظ کرده اند آنها را به مردم خویش بشناسانیم

دومین مطالب؛ از آنجائی که «جنبش مشروطیت» نقطه عطفی در تاریخ مبارزات آزادیخواهی ملت ایران در جهت بدست آوردن حقوق انسانی و اجتماعی شان می باشد و بزرگترین سهم آن از ملت آذربایجان است، لذا نقش مبارزات مردم آذربایجان در این جنبش و پس از آن «قیام شیخ محمد خیابانی» و همچنین «جنبش ملی و دموکراتیک سال ۱۳۲۴.ش» و در ادامه آن مبارزه مردم آذربایجان علیه «حکومت دیکتاتوری پهلوی» و نقش زنان آذربایجان در «جنبش‌های آزادی خواهی» در این عرصه می باشد که در این مجموعه گردآوری و ثبت شده است.

کسانی که دستی در تاریخ دارند یقیناً می دانند که نقش مردم آذربایجان در بوجود آوردن حرکت و جنبش‌های آزادیخواهی در چهار چوب ایران چه بوده است و این یک حقیقت انکار ناپذیر است که آذربایجان در اهتزاز پرچم آزادیخواهی و برای مقابله با حاکمیت‌های استبدادی، هزاران تن از بهترین و فداکارترین فرزندان و قهرمانان خود را فدای راه آزادی نموده است و در راه آن چه حزن‌ها کشیده و چه خسران‌هایی دیده است و چه بسا هنوز هم با همان هدف برای حفظ آن آرمان با قامتی استوار و سرافراز ایستاده است. نگارنده در این مجموعه سعی کرده است تا حد امکان رشادتها جانفشانیهای آنانی را که جانشان را در راه آزادی فدای کرده اند و همچنین اعمال کریه و غیر انسانی طرفداران ناعدالتی‌ها و کج اندیشی‌های آنان را به محضر مردم معرفی کرده تا خود قضاوت نمایند.

روز شمار تقویم تاریخ آذربایجان ۷

سومین مطلب؛ ثبت تاریخ انتشار یک سری از روزنامه های مرقی و بومی آذربایجان و ناشران اندیشمند آنان است که در برهه ای از تاریخ، مشوق و بهترین آگاهی دهنده مردم برای اطلاع از حقوق اجتماعی و انسانی آنها بوده اند.

چهارمین مطلب؛ تأسف بارترین جریان تاریخی ثبت شده در این مجموعه، روز شمار واقعه ی قتل عام و کشتار مردم مظلوم منطقه غرب آذربایجان در قرن معاصر بدست اشرار است. این جریانات یا بهتر گفته شود «فجایع» و «جنایات» در مرحله اول به دست «شیخ عبیداله نوچه ای» به مدت دو ماه (از تاریخ اول مهر ماه تا آخر آبان ماه سال ۱۲۵۹.ش) و در مرحله دوم توسط «ارامنه و آسوریها» به مدت شش ماه یعنی (از اول اسفند ماه سال ۱۲۹۶.ش الی اواخر مرداد ماه ۱۲۹۷.ش) و در مرحله سوم توسط اکراد به سردستگی «اسماعیل سیمتکو» از (شهریور سال ۱۲۹۷ الی پایان سال ۱۳۰۱.ش) به مدت پنج سال همراه با جنایات هولناکی چون غارت، تجاوز، شکنجه و قتل کشتار بوقوع پیوسته، ثبت گردیده است. لازم به ذکر است که این فجایع همه با طراحی و هدایت دول استعمارگر (روس انگلیس، فرانسه، و امریکائیان و مسخرین و نمایندگان کنسولگریهای آنها در لوای به اصطلاح «مبشرین و مبلغین دینی و معلمین و اطباء» آثار بوجود آمد که سالها بود در شهرهای آذربایجان مخصوصا در شهر اورمیه با «ادعای انسان دینی» کانون های تبلیغی در واقع لانه فساد باز کرده بودند و برای پیشبرد اهداف استعماری شان برنامه ریزی کرده و در واقع هر یک دین و مسلک خود را برای هم کیشان خود تبلیغ می نمودند در این میان مزد اغفال شده ای چون شیخ عبیداله شمزینی و یا نوچه ای که از افراد رانده شده از خاک عثمانی بود به تحریک دول خارجی ادعای «خلیفه گری» کرد و مدعی آزادی ملت های ترک و کرد و مسیحی بود و کرامات الهی وعده می داد، با غارت ولایات اورمیه، سولدوز، میاندوآب و قسمتی از منطقه بناب، خورجینش را پر کرده و پس از ببار آوردن فجایعی عظیم مخصوصا در میاندوآب و روستاهای اطراف اورمیه خوش خدمتی خود را به دول عثمانی و روس اثبات کرده از دور گردونه خارج شد و به زباله دان تاریخ پیوست.

مرحله بعدی این سیاست ها درگیرکردن آرامنه و آسوریهای مناطق مرزی عثمانی و همچنین آرامنه و آسوریهای ساکن مناطق غرب آذربایجان با مردم آذربایجان غربی بود این

امر با اغفال کردن ارامنه و آسوریها با وعده وعیدهای تشکیل دولت مستقل برای آنها در این نقطه از خاک آذربایجان، آنها را تطمیع و تشجیع نمودند و تا حد نسل کشی آذربایجانیان این فاجعه را به پیش بردند. استعمارگران و عوامل آنها بعداً بدلیل عدم موفقیت در این وعده ها و آلوده شدن دستهایشان به خون دهها هزار انسان بیگناه و از طرفی عدم توانایی قوای مسلحه متشکله آنها از عوامل ارامنه و آسوریها برای مقابله با حملات سنگین قوای نظامی عثمانی، ادامه اسکان ارامنه و آسوریها را در منطقه غرب آذربایجان ناممکن دیده و برای تامین اهداف شان این بار به فکر استقرار آنان در سرزمینهای عراق افتاده عوامل و کانونهای جنایات خود را به همراه ارامنه به سمت عراق حرکت دادند. هنوز جنازه های قتل عام شده یک عده انسان بی گناه که بدست ارامنه و آسوریها در شهرهای اورمیه، سلماس، خوی و سولدوز از روی زمین جمع آوری نشده بود توطئه ای دیگر آغازید. این بار نیز با استفاده از وجود یک جاهل جاه طلب دیگری چون اسماعیل سیمتکواز اشرار سرحدی، کسی که ادعای هم دینی با مردم منطقه را داشت و آنان را سر خیر همین ملت و همین خاک می خورد، «دوباره با وعده و عید اینکه این بار هم تشجیع دولت کردی بیگانگان در مناطق غرب آذربایجان را به او داده بودند، این جانی را فریب داده و بدین ی کیسه های پول از کانونهای اعانه مسیونری امریکایی و فرانسوی و انگلیسی و اهدافی سلاح از ذخایز جنگی انگلیس و روس دیگر دول استعمارگر و بعضاً عثمانی، باحمایت هدایت و امر از این دول، مدت پنج سالی دیگر در این ولایت بخت برگشته (آذربایجان) توسط سیمتکو سرایت و جنایت نموده، و درطی این فجایع، سبب شدند بیش از دویست و شصت هزار نفر انسان مظلوم بی گناه آذربایجان غربی قتل و عام و بازماندگان آنها را از هستی ساقط و به خاک سیاه بنشانند و یک ولایت آباد را به ویرانه، و شهرهای زیبای آن را به گورستانی بزرگ تبدیل نمایند که خرابه هایش سالها پا برجا بود، و خسران روحی و روانیش هیچ گاه التیام نیافت.

پنجم از دیگر کارهایی اساسی که در این مجموعه شاخص بوده و روی آن بیشتر کار شده است، این است که، تمام وقایع و رخدادهای تاریخی کشور ما ایران از بدو تاریخ تا ابتدای سال ۱۳۰۰ شمسی همه به تاریخ هجری قمری بوده و یا اگر از منابع خارجی نیز اخذ شده باشند طبعاً به تاریخ میلادی بوده اند، همه این تاریخها برای سهولت ثبت روزشمار آن و

همچنین تداعی و ماندگاری آن در یادها، با صرف وقت بسیار زیاد به تاریخ شمسی تبدیل شده و ثبت گردیده است.

ششم مورد دیگری که به نوبه خود زمان بر بوده است تهیه عکس و تصویر از مناطق و اشخاص است. که این نیز درجای خود کار طاقت فرسایی بود که با استفاده از کمک و یاری دوستان وامکانات ناچیزی که خود داشته ام تهیه و فراهم گردیده است.

همچنانکه گفته شد در این منبع شرح آن وقایع و موضوعات برابر مستندات بصورت روزشمار تقویم تاریخ آذربایجان برای آگاهی نسلهای جدید و آیندگان درج گردیده، تا هم هجمه ای باشد به آن تعداد از کسانی که تاریخ را بزودی فراموش می کنند و منافع شخصی خود را به منافع ملی کشور ترجیح می دهند، و هم درس عبرتی باشد به ما برای پیشگیری از تکرار این چنین فجایع در آینده و هم چنین آگاهی دهنده به نسلهای بعدی.

در اینجا لازم می دانم با توجه به دلایل و مستندات موجود عوامل و پیش زمینه های این جنایات را بطور مختصر یاد آور شوم. مهاجرت ارمنه و آسوریها (جیلوهای) ساکن خاک عثمانی در مرحله نخست بوسیله دولت نزاری روس به قصد هم رای کردن آنها با خود برای بدست آوردن یک نیروی جنگی توانمند و ارزان قیمت و استفاده از وجود آنها در جنگ آتی با توجه به اهداف توسعه طلبانه ای که روسیه برای بلعیدن سالک همجوار خود در پیش داشت انجام گرفت و این جمعیت کوهستانی ساده دل را که تنها به یک نفر رهبر مذهبی بنام پاتریارک اداره می شدند و در اختیار گرفتن آنها فقط با تطمیع رهبر مذهبی شان به سهولت ممکن می شد و از طرفی نیز با توجه به جاه طلبی هایی که پاتریارک مارشمعون رهبر آنها داشتند این امر را برای روسها به سادگی امکان پذیر می کرد، دسیسه چینی آغاز شد. و ناقوس آن با جنگ ارمنه با عثمانیها به صدا درآمد به دنبال آن فرار و سرازیر شدن ارمنه و آسوریهای ساکن خاک عثمانی به داخل خاک ایران طراحی گردید اگر چه این مهاجرت به ظاهر بدلیل کشتار ارمنه بدست عثمانی ها عنوان شد، ولی در اصل باید گفت: این مسئله تنها با سیاست مزورانه روسها و انگلیسها به منظور در اختیار گرفتن این عناصر ارزان قیمت و سو استفاده از اعتقادات مذهبی و فقر فرهنگی آنان بود انجام گرفت و همین موضوع همزمان شد با پیش آمد شروع جنگ جهانی اول و پیش آمدن انقلاب بلشویکی در روسیه و گسسته شدن

روسیه از پیمان متفقین و خالی شدن خط مقدم جبهه دول متفق در مقابل جبهه متحدین در خط مقدم با دولت عثمانی، در این میان بهترین گزینه باز بکارگیری همین عناصر بجای قوای روسیه در خط متفقین و در مقابل قوای عثمانی ضرورت خود را بیشتر نشان داد و اینجا بود که می بایست مستشاران نظامی دول غرب، که در لوای مبلغین دینی در غرب آذربایجان چندی بود لانه کرده بودند مسئولیت اصلی خویش را بطور آشکار برعهده می گرفتند، که همان نیز شد. براه افتادن سرهنگ کوزمین روسی جانشین پطروس در قتل عام مردم بدست ارامنه و جیلوها، سرهنگ بازیل نیکیتین کنسول روس، رئیس ستاد قوای مسلحه و طراح نقشه های آدم کشی ارامنه، سرهنگ زود اولسکی، میلر همکار نیکیتین کنسول روس در اورمیه، که فرماندهی قسمتی از جیلوها را برعهده داشت، ژنرال کردیسی کنسول انگلیس سرهنگ لردکرزن که قصد تشکیل دولت ارمنی و آسوری در خاک آذربایجان را در سر داشتند ژنرال دنسترویل Dunsterville فرمانده قوای نظامی انگلیسی در خاورمیانه، مسیو برایس و آرنولد نوین بی از اعضای کمیته ارمنی های نژاد پرست، کاپیتان جرج ف گراسی Cracey سروان مک داول افسران اطلاعاتی انگلیس ژنرال کارپو Carпов سرهنگ کوژیل p.Caojoel فرانسوی فرمانده آمبولانس (کذایی)، دکتر پسیوس، ژنرال لیوتنان کاسفل، ژنرال آنتوان گلاریس، ژنرال پالتافیف از افسران ارشد فرانسوی در لوای استقرار آمبولانس فرانسوی وارد اورمیه شده بودند، دکتر گردون پادوک، دکتر ویلیام شید [شد] کنسول آمریکا و مسبب بزرگترین جنایات در آذربایجان، دکتر آلیس، ماژورایدی، ویلیام بیچ، دکتر هری پاکارد، همکار پطروس در کشتار مردم، کاپیتن پی یرسون، حکیم سلیمان نماینده قنصلگری آمریکا در اورمیه، حکیم ایوشه، حکیم افشلیم، مونسینور سنتاک نماینده پاپ اعظم، مسیو شاتل، ژنرال پطروس آسوری الاصل فرمانده نظامی ارامنه و آسوریها در قتل عام مردم آذربایجان و میرزا برادرش، شموویل خان سرهنگ، دکتر یونان از عناصرین امریکایی و دهها نفر از افسران ارشد ارمنی و دانشناکسیون و دیگر اشخاص به اصطلاح انسان دوست و در عمل جنایتکار به منظور سازمان دهی و هدایت ارامنه و جیلوها دست بکار شدند.

ماموریت اولیه همه اینها طراحی یک توطئه از بدو شورانیدن ارامنه و آسوریها بر علیه دولت عثمانی و درگیر کردن آنها با دولت عثمانی بعد غلم کردن کشته شدن ارامنه بدست

قوای عثمانی، زمینه سازی جابجایی و مهاجرت این ملت از خاک عثمانی به ایران و زیر فشار گذاردن دولت عثمانی با عنوان کردن «کشتار ارامنه» و در بیوق و کرنا دمیدن آن برای تحریک اذهان عمومی مردم دنیا علی الخصوص «مسیحیان» به جهت هم آواکردن آنها برای جمع آوری به اصطلاح کمک های مالی انسان دوستانه و تشکیل کمیته های اعانه برای تامین هزینه های آنها در جهت امیال استعماری خودشان و بعد با مظلوم جلوه دادن ارامنه و آسوریها و طرح کردن اسکان آنها در خاک ایران «منطقه غرب آذربایجان» را توجیه نمودند. و این ترفندها را طوری بازی کردند که هم دولت ایران را راضی به اسکان آوارگان در خاک ایران نمایند «هرچند که حکومت ایران ناتوان تر از آن بود که از ورود ارامنه به خاک خود جلوگیری نماید»، و از طرفی هم احساسات انسان دوستانه مردم آذربایجان را تحریک می کردند که برای ورود این مهمانان ناخوانده در این موقعیت نه چندان خوب «که خود مردم آذربایجان نیز سالها بود بدلیل حضور نیروهای خارجی (روس و عثمانی) بخش عظیمی از زندگی شان به مخاطره افتاده بود» کسب و کارشان آسیب های جدی دیده بود» برای دفع این عناصر نه تنها واکنش از خود نشان ندادند، بلکه هر آنچه که از فقر و نداری در امکان داشتند همان را نیز با میهمانان ناخوانده قسمت کرده در کنار هم ارتزاق کنند و آنها را نیز از گرسنگی و سرما نجات دهند و چنین بنمایانند که از ورود آنها نه تنها ناراحت نیستند، بلکه بخاطر حس انسان دوستی، تازه بالاتر از آن احساس خوشحالی نیز می نمایند. ولی در پی به ظاهر همین دلسوزی در خفا چه جنایت هولناکی طراحی و چه مصیبتی بر سر این ملت آورده شد!

باید دوباره یادآور شوم، بیان و درج این موضوعات نه برای بازکردن زخم های التیام نیافته آن روزگار است، بلکه منظور این است که این اعمال ننگین به عنوان یک سیاه کاری که از طرف دول استعمارگر برای پیشبرد اهداف شان با بازیچه قرار دادن عناصر جاه طلب و ناآگاه، به فرض اینکه در محدوده جغرافیای آذربایجان غربی برای آنها دولت مستقلی را تشکیل خواهند داد، سبب شدند «در این ولایت یک فاجعه نسل کشی و پاکسازی قومی انجام گیرد تا در خاک و محل زندگی آنها حکومت به اصطلاح ارمنی، آسوری و یا به اصطلاح دولت کردی

بوجود آوردند.» و در اسیل این اهداف شوم، ظلم و ستم فاحشی بود که بر مردم منطقه تحمیل کردند. و ننگین‌ترین و شرم‌آورترین فاجعه بشری را در تاریخ به یادگار گذاشتند.

گردآوری این مجموعه حداقل پانزده سال کار مداوم و مستمر نگارنده می باشد که همه این زحمات را به عشق آن انسانهای آزاده و آزادیخواهی که نام شان در این مجموعه ثبت گردیده و همچنین به قتل عام شدگان مظلوم غرب آذربایجان تقدیم می نمایم. که در این مجموعه یادشان گرامی داشته شده است و هدیه ای است به پدر عزیزم که سالها با مشقت رنج و سختیهای زیاد، مرا بزرگ کرد و حیاتم از حاصل رنج و زحمت و دلسوزی های بی منت اوست.

در ادامه این مجموعه، در فرصتی آتی تصمیم بر این است چنانچه اگر عمری باقی باشد، هرآنچه از قلم افتاده و یا ما به آن دسترسی نیافته ایم با همیاری عزیزان و راهنمایی دوستان و همشهریان عزیز در مجموعه ای کاملتر از این، مجدداً مجموعه ی دیگری به محضر هموطنان عزیزمان عرضه بداریم. و تقاضا داریم از کلیه هموطنان، آنان که اسناد و مدارکی در هر زمینه در دست دارند برای هرچه روشن تر شدن وقایع و ثبت آنها برای تکمیل تاریخ یک ولایت و یک ملت بزرگ، جهت ارائه آن به فرزندان این آب و خاک، کمک و یاری شان را از ما دریغ نفرموده و آنها را به آدرس مؤلف این کتاب ارسال دارند تا بنام شخصی شان ثبت گردد. در نهایت از زحمات دوستانی که مرا در تهیه این مجموعه یاری نموده اند از جمله آقایان حسین زاده «مدیر کتابفروشی فضولی» علی خخلی در اختیار گذاشتن عکس و اسناد از ایل قاراپایاق و عیسی یگانه برای انجام آخرین ویرایش کتاب، سلیمان هاشم زاده، خلیل مستوفی، امیر اکبری و مجید خلیل زاده که عکسهایی از اشخاص یا منابعی را در اختیارم گذاشته اند و همچنین همسر، دختر و پسر عزیزم و دوست ارجمندم احد فرهمندی که در تنظیم و اصلاح متن اولیه این مجموعه مرا صمیمانه یاری کردند، دکتر پرویز محمدی راهنمایی هایی که نمودند مهندس علی عزیززاده چپانه که درپیش برد کارهای مان یاری مان کردند و از دوست عزیزم جواد ولیزاده که هم در تهیه و فتوشاپ عکس ها زحمت زیادی را متحمل شده و مرا یاری نموده و هم اینکه طرح روی جلد کتاب را طراحی کردند، تشکر می نمایم و همچنین از دیگر دوستان و کسانی که به هر شکلی مشوق مان بودند و ما را

روز شمار تقویم تاریخ آذربایجان ۱۳

کمک و راهنمایی نموده اند نهایت تقدیر و تشکر را داشته و از همه آنان صمیمانه سپاس
گزاری می‌کنم. به امید امکان تهیه و تنظیم جلد تکمیلی و همچنین جلد دوم این اثر برای
ارائه خدمت به هموطنان عزیز و سروران گرامی، والسلام. «شاد و کامیاب باشید».



اسفندیار حاجیلو (قراچاچلو)

esfandiyarhajiloo@gmail.com

www.ketab.ir